



• درآمد

سیدعلی اصغر تقوی، پژوهش‌گر و دارای تحصیلات عالی هوزوی، مدرس دانشگاه‌های آزاد و دولتی و نویسنده و فیلم‌ساز، از سال ۱۳۷۳ نویسنده‌گی را با نوشتن خاطراتی از دو برادر شهیدش آغاز کرده و تاکنون زندگی تعدادی از شهدای جنگ تحمیلی را مورد پژوهش و مطالعه قرار داده است. در این گفت‌وگو، تقوی، ضمن برجسته‌داشتن دوره جوانی و زندگی شهید تندگویان آن را دوره طلایی عمر شهید می‌داند و به بررسی ویژگی‌های این دوره می‌پردازد.

گفت‌و شنود شاهد یاران با سیدعلی اصغر تقوی پژوهش‌گر

دوره طلایی عمر شهید تندگویان...

و اسلام و ایران بوده است و من از حرکت و نشاط و فعالیت این شهید عزیز در دوران جوانی‌اش که مصادف با حوادث سرنوشت‌ساز برای انقلاب بود، حقیقتاً درس گرفته‌ام، نکاتی را برای استفاده جوانان میهن عزیز اسلامی‌مان گوشه‌زد کنم، چراکه احساس می‌کنم به‌طور قطع و یقین؛ جوانان پرشور و با نشاط ما، امروز با مسؤلیت‌های سنگین‌تری برای تداوم انقلاب مواجه‌اند و راه‌های دشوارتری را برای تکفل آینده در پیش روی خود دارند.

لذا امیدوارم که با طرح مباحثی از این دست که سعی خواهیم کرد همراه با درس‌هایی از زندگی شهدای عزیزمان باشد، به نقش جوانان عزیز در تداوم راه شهدا نیز پردازیم. آنچه این شهید عزیز را در روزگار جوانی برای من ممتاز کرد تا بتوانم به تفصیل زندگی ایشان را از بدو تولد تا حیات معنوی‌اش که هم‌چنان ادامه دارد و رشته تحریر دربرآوردم، برخوردارم ایشان از یک‌سری ویژگی‌های ممتاز فردی بود که جمع آن‌ها برای هر جوانی در آن روزگار بحران، سخت و دشوار می‌نمود. یعنی شما جزو پژوهش‌گرانی هستید که پرداختن به وجوه برجسته و شاخصه‌های شهدا را بر دیگر ویژگی‌های‌شان مقدم می‌دانید؟

بله، شهید محمدجواد تندگویان که روزگار جوانی‌اش مصادف با تحولات جدی برای نهضت بود، هم‌زمان در صحنه‌های مختلف - اعم از کار، تحصیل، تدریس و فعالیت‌های انقلابی و مذهبی - حضور فعال داشت. شور انقلابی، خلاقیت فردی، هوش و ذکاوت سرشار در کنار شعور و آگاهی سیاسی، مطالعه عمیق دینی، توان بالای مدیریتی، همواره از محمدجواد تندگویان فردی ممتاز در بین هم‌سن و سالان خود می‌ساخت و قدرت هضم مسائل و دوراندیشی نیز به همراهی این ویژگی‌های فردی توان او را برای اداره امور خانه و

دیگری احساس تعهدی که نسبت به جوانان این مرز و بوم دارم و تمام تلاش‌م را به کار می‌بندم تا لحظه‌ای بتوانم جوانان عزیزمان را به جوانان جان برکف روزگار جهاد و از خودگذشتگی وصل کنم. ذره‌ای توفیق، برای ثابت‌قدم‌بودن در این راه را کافی می‌دانم و برای رسیدن به آرمان‌های بلندتر در مسیر فرادهای خوب و خوب‌تر تلاش می‌کنم.

پس شما هم از جمع اینارگران و خانواده شهدا هستید، اگر چه امیدواریم در یک فرصتی هم به شهدای

هم‌زمان در صحنه‌های مختلف - اعم از کار، تحصیل، تدریس و فعالیت‌های انقلابی و مذهبی - حضور فعال داشت، شور انقلابی، خلاقیت فردی، هوش و ذکاوت سرشار در کنار شعور و آگاهی سیاسی، مطالعه عمیق دینی، توان بالای مدیریتی، همواره از محمدجواد تندگویان فردی ممتاز در بین هم‌سن و سالان خود می‌ساخت.

عزیزتان پردازیم و از شما بخواهیم تا در یک فرصت مناسب کمی هم از آن‌ها برای‌مان تعریف کنید، اما موضوع ما زندگی شهید محمدجواد تندگویان است که بدون توضیح اولیه‌ای، از شما می‌خواهیم مقدمه‌ای را درباره این شهید عزیز بفرمایید تا مسائل بعدی را به‌طور تفصیلی از حضرت عالی جویا شویم.

لازم می‌دانم پیش از هر گفتاری درباره شهید سعید - محمدجواد تندگویان - که در خلال تحقیقاتی که پیرامون زندگی ایشان که در زمره هم‌راهی پربرتک برای بشریت

از آنجایی که می‌دانیم مدت‌هاست در زمینه جمع‌آوری و نوشتن زندگی‌نامه شهدا و اینارگران هشت سال دفاع مقدس فعالیت می‌کنید و آثاری را نیز در این زمینه به چاپ رسانده‌اید، قصد داریم از شما درباره زندگی شهید محمدجواد تندگویان سؤال کنیم، در ابتدا کمی از انگیزه و اهداف خود در انتخاب این موضوع برای نوشتن بگویید.

از زمانی که ۷ یا ۸ سال بیشتر نداشتیم، یعنی حدود سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴، نسبت به موضوعاتی از قبیل جبهه، جنگ، شهید و شهادت احساس خوبی داشتیم. البته محیط زندگی‌ام در ایجاد این احساس درونی بیشترین تأثیر را بر من داشت، چون از همان روزهای اول نهضت و انقلاب و بعد جنگ تحمیلی، خانواده ما به‌طور کلی درگیر این مباحث بودند و من ناخودآگاه به حوادث انقلاب و جنگ نزدیک بودم. هر چند به‌واسطه صغر سنی‌ای که داشتم بروز احساس، از من انتظار نمی‌رفت، اما این احساس برای بروز و ظهور در زمان خودش در درون ما فعال بود. خانواده ما در انقلاب و جریان نهضت در درون نهضت فعال بودند و در زمان جنگ و دفاع مقدس هم از مجموع خانواده‌های من و عموهایم شهدای زیادی تقدیم انقلاب شد و فقط از خانواده ما دو برادرم که در جریان انقلاب هم فعال بودند در جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند، لذا از همان زمان احساس تعلق خاطر زیادی به این موضوعات می‌کردم و تاکنون لحظه‌ای خودم را بیگانه با این موضوعات و دورافتاده از این مفاهیم نپنداشتم که همواره حس ادای دین و وظیفه به شهدا و اینارگری‌های مردم فدائکارمان مرا به حداقل کاری که می‌توانستم در این سال‌ها انجام بدهم یعنی نوشتن درباره شهدا فرا خوانده است. مهم‌ترین انگیزه برای من، همین احساس رابطه عمیقی است که به لحاظ قلبی نسبت به شهدا و اینارگران دارم و

خشوع در برابر حق و ایستادگی در مقابل ظلم و استکبار را در جلسات همین هیأت‌ها که به‌طور خصوصی برگزار می‌شد آموخت.

او مبارزه مکتبی را از مسجد آموخت و تا پایان عمر با برکتش در هیچ گروه و دسته‌ای عضو نشد. مبارزات او جنبه حق‌طلبانه داشت و هیچ سند قابل ملاحظه‌ای از وابستگی گروهی به‌طور واضح از ایشان موجود نیست. حتی در جریان بازداشت شهید تندگویان توسط ساواک، عوامل ساواک با شکنجه‌های زیاد قصد احراز وابستگی ایشان را به گروه‌های انقلابی داشتند و در حقیقت باورشان نمی‌شد که این جوان از روی آموزه‌های مکتبی و درس‌هایی که خود از اسلام و زندگی ائمه (ع) گرفته بود، در مسیر نهضت قرار گرفته و هیچ‌گونه آموزشی برای مبارزه با رژیم ندیده بود و عضو هیچ گروه خاصی نبود. شهید تندگویان مبارزه با ظلم و طاغوت را از مسجد و با آموزه‌های دینی آغاز کرد و تا آخرین دقیق عمر از مبارزه مکتبی دست نکشید؛ به‌گونه‌ای که برخی از همراهان ایشان، در دوره اسارت، به یاد دارند که تا آخرین لحظات، شهید تندگویان، دست از دعا و نیایش و حق‌خواهی و حق‌طلبی به‌وسیله همین آموزه‌های مکتبی برنداشت.

از دستگیری شهید تندگویان توسط ساواک و وضعیت ایشان در زندان ساواک و شهربانی سابق بگوید؛ چه اتفاقی افتاد که ایشان را دستگیر کردند؟ با توجه به این که شهید تندگویان در زمان دستگیری یک جوان بیست و چند ساله بود و تحمل شکنجه‌های شدید ساواک برای ایشان سخت می‌نمود، فکر می‌کنید چه چیزی این شکنجه‌ها را برای‌شان آسان می‌کرد؟

دوره تحصیل شهید تندگویان در دبیرستان، با اتفاقات مهمی از جریان نهضت اسلامی مردم ایران همراه بود؛ واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و اتفاقات متعاقب آن در تهران از جمله رخدادهای آن روزها بود. خانواده تندگویان هم به‌علت ارادت ویژه‌ای که به حضرت امام (ره) داشتند، وقایع نهضت و اتفاقات آن روزها را به‌خوبی دنبال می‌کردند و محمدجواد هم به سهم خودش، از همان اوایل، نقش آفرینی لازم را می‌کرد. از جمله مواردی که در آن روزگار اهمیت فراوانی داشت، با توجه به این که موضوع اطلاع‌رسانی هم در جریان نهضت از اهمیت بالایی در آن روزگار خفگان برخوردار بود، پخش و انتشار اعلامیه‌ها و بیاناتی بود که توسط رهبری

درست است که شهید تندگویان وزیر نفت ما در دوره شهید رجایی بود، اما او یک جوان نمونه بود که به‌واسطه برخوردش با مسائل از سنش فراتر رفته بود. ایشان متولد ۲۲ خرداد ۱۳۲۹ هجری شمسی بود و در زمان صدارتش در وزارت نفت تنها ۲۹ سال داشت. او در این زمان به لحاظ علمی به جایگاه خوبی رسیده و دوره فوق‌لیسانس را به اتمام رسانده بود. به لحاظ فنی و مدیریتی تجربه‌های زیادی را کسب کرده بود. از پالایشگاه تهران و گاز بوتان گرفته تا کارخانه توشیبا سابق و مسؤلیت در پالایشگاه نفت آبادان، مسؤلیت‌های متعددی داشت که به‌خوبی از عهده آن‌ها برآمده بود.

او در فاصله همین سال‌ها یعنی در سال ۱۳۵۲ ازدواج می‌کند و در همین مدت صاحب فرزندی می‌شوند و در همین سال‌ها - فاصله ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ که دوره جوانی این شهید است - اوج درگیری‌ها و مسائل انقلاب پیش می‌آید که نقش وی در این جریان از پخش اعلامیه تا زمینه‌سازی برای اعتصابات دانشجویی و سخنرانی و روشنگری در جریان به نمر نشستن انقلاب، فراموش نشدنی است. این هشت سال، دوران پربرکت عمر شهید تندگویان در حقیقت دوره طلایی عمر اوست که با حوادث بسیاری برای او و انقلاب اسلامی همراه بوده است. این شهید جوان و انقلابی در این سال‌ها هم‌چنان از عمق مطالعه مکتبی و دینی‌اش نکاسته و از تشویق دیگران برای خواندن و مطالعه فروگذار نکرده است و این در حالی است که لاقال ۱۱ ماه از همین فرصت هشت ساله را در زندان انفرادی ساواک و زندان کمیته شهربانی شکنجه شده است. جوانی او با تلاطم‌های زیادی همراه بود که از محمدجواد با همه ملاحظاتی که باید می‌کرد، یک انقلابی پرشور و با شعور، اما با رفتارهایی پخته و سنجیده ساخت که همواره از او چهره‌ای سالخورده‌تر از یک جوان بیست و چند ساله در اذهان تصویر می‌کرد. او باید ملاحظه مادرش را که بیماری قلبی داشت می‌کرد و نیز ملاحظه همسر و فرزند را برای تحمل دوری‌اش، ولی با این همه، اقداماتش، حتی بعد از پیروزی انقلاب، هم‌ان‌طور روحیه انقلابی‌ای را از خود به نمایش می‌گذارد که در انتشار و پخش اعلامیه‌های امام (ره) داشت.

به انقلابی بودن و سوابق انقلابی شهید اشاره‌ای داشتید. شهید تندگویان از چه سوابق مبارزاتی‌ای در این زمینه برخوردار بود و تحت چه عنوان‌هایی فعالیت می‌کردند؟

شهید تندگویان به‌واسطه این که از خانواده‌های متوسط مناطق جنوب تهران بود - که عموماً خانواده‌های مذهبی و متدین در این مناطق سکونت دارند - از کودکی اهل مسجد رفتن و شرکت در مجالس مذهبی بود. پدر و پدربزرگ ایشان از اعضای هیأت بنی‌فاطمه و فاطمیون در خانی آباد تهران بودند و در آموختن درس حق‌طلبی و حقیقت‌جویی به محمدجواد نقش عمده و به‌سزایی داشتند. او درس خشوع و



درست است که شهید تندگویان وزیر نفت ما در دوره شهید رجایی بود، اما او یک جوان نمونه بود که به‌واسطه برخوردش با مسائل از سنش فراتر رفته بود. ایشان متولد ۲۲ خرداد ۱۳۲۹ هجری شمسی بود و در زمان صدارتش در وزارت نفت تنها ۲۹ سال داشت. او در این زمان به لحاظ علمی به جایگاه خوبی رسیده و دوره فوق‌لیسانس را به اتمام رسانده بود.

خانواده و کارخانه و پالایشگاه و وزارت‌خانه روز به روز بالاتر می‌برد، تا جایی که در سپردن مسؤلیت‌های مهم به ایشان، هیچ‌کس تردید نمی‌کرد. حفظ این روحیات در کنار هم، چه در فضای انقلابی سال‌های پیش از انقلاب و چه در فضای بحرانی روزهای پس از پیروزی انقلاب تا روزهای جبهه و جنگ، سبب شده بود تا شهید تندگویان حتی در شرایط ویژه‌ای که بیشتر مواقع در اطراف ایشان پیش می‌آمد، پا را از دایره مکتب اسلام ناب محمدی و قرآن بیرون نگذارد و همواره از هرگونه تذبذب و التقاط به دور بماند، تا جایی که مبارزه با التقاطی‌ها و شبه‌کمونیست‌ها در یک دوره خاص از اهم برنامه‌ها و فعالیت‌هایش پس از انقلاب بود که در ادامه به آن نیز به تفصیل خواهیم پرداخت.

همه ما به‌خوبی می‌دانیم که انقلاب اسلامی تحولی بنیادی در همه عرصه‌های زندگی در کشور به وجود آورد. افق آرمانی این نهضت مقدس، چنان است که هرگز با غفلت و سهل‌انگاری، سازگاری نداشته است و ندارد. نسلی که امروز پرچم‌دار جلوه‌های ایثار و مقاومت اسلامی و مشعل‌دار کاروان تمدن و فرهنگ ایرانی است، باید به همان اندازه که در فراگیری علم و دانش و تهذیب نفس و تزکیه اخلاق تلاش و مجاهده می‌کند، نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی و سرنوشت مردم و جامعه اسلامی احساس تکلیف و مسؤلیت کند. التزام به ارزش‌ها و تعهد به معیارها، از جمله مسائلی است که جوانان را با سرنوشت اجتماعی مردم پیوند می‌دهد و آنان را در پیمودن مسیر دشوار انقلاب و ترسیم آینده روشن، یاری می‌بخشد.

شهید تندگویان روزگار جوانی را چگونه گذراند و نقاط ویژه و برجسته زندگی او در دوره جوانی چه بود؟ چگونه است که شما نسبت به این دوره از زندگی ایشان تأکید بیشتری دارید؟





کمیته پاکسازی پالایشگاه آبادان، فتنه‌گری‌های ایشان را به خودشان برگرداند.

به غیر از مکتبی بودن به برخی از ویژگی‌های اخلاقی و فردی ایشان اشاره داشتید، آن‌چه از این خصوصیات را که بارزتر به نظر می‌رسد کمی بیشتر توضیح دهید و بفرمایید که ایشان چه ویژگی خاص دیگری داشته‌اند؟

خانواده از مهم‌ترین عناصر تربیتی برای فرد است که در کانون توجه شهید تندگویان قرار داشت. اهمیت به جایگاه خانواده و تعصب نسبت به افراد خانواده از ویژگی‌های او بود تا بتواند در کوران حوادث و اتفاقات، فشار کمتری را متوجه آن‌ها سازد و از شدت آسیب‌ها کاسته و بالاخره تأثیراتی را که فقدانش برای اهالی به جا می‌گذارد جبران کند.

در خاطرات همسر این شهید بزرگوار خوانده‌ام که: «یک‌بار که ساواک برای تفتیش به منزل ما می‌آمد، شهید تندگویان به آن‌ها سفارش کرده بود که مادرم قلبش ناراحت است و استرس برایش ضرر دارد و از آن‌ها خواهش کرده بود که در مقابل مادرم با ایشان برخوردی نداشته باشند. از طرفی هم خودشان به مادر گفتند که این‌ها از دوستان من هستند و وقتی که از در بیرون رفتند، گفتند که تا شب برمی‌گردم.» غرض این بود که بگویم ایشان سعی داشته‌اند که همواره با یک هضم و دوراندیشی خاصی خانواده را از استرس‌ها و فشارها حفظ کنند. به زندان ساواک هم که می‌افتند، تمام تلاش خودشان را می‌کنند تا خانواده را از شکنجه‌هایی که می‌شدند، بی‌اطلاع بگذارند تا فشار کمتری به خانواده بیاید. یکی از شکنجه‌هایی که ایشان در ساواک می‌شوند، سوراخ شدن کف پاهای‌شان یا مته بوده است که اتفاقاً بعدها از آن به‌عنوان علامت شناسایی جسد شهید تندگویان در عراق استفاده می‌شود.

ویژگی‌های فردی ایشان البته قابل توجه است، خلاقیت از خصوصیات بارز شهید بود که همواره برای حل هر مشکلی روش و طرحی ارائه می‌کردند و آن‌چه موجب پیشرفت کاری ایشان در شرکت‌های مختلف می‌شد، همین خلاقیت تندگویان بود که برای توسعه شرکت‌ها برنامه ارائه می‌کردند و طرح می‌دادند و وقتی طرح‌های ایشان موفق می‌شد، پیشنهادهای تازه‌ای به آن بزرگوار برای مدیریت پروژه‌ها و طرح‌های جدید از سر گرفته می‌شد. دوران ۶۰ روزه شهید در سمت وزیر نفت دولت شهید رجایی از نمونه‌های این کارآمدی است که طراحی

مذهبی و با خواندن دعای کمیل در مسجد محل شروع کردند تا مبارزه ایشان با نیروهای تقاطعی و شبه‌کمونیسیت‌ها در جریان پاکسازی پالایشگاه نفت آبادان بر کسی پوشیده نیست. ماندن ایشان در خط مکتب تا آخرین لحظات تحت شکنجه‌های رژیم بعث عراق که سال‌ها به طول انجامید و به گفته برخی از همراهان شهید تا این اواخر یعنی سال ۱۳۶۸ که در زندان بوده‌اند، این‌ها همه شواهدی است که از مکتبی بودن ایشان پرده برمی‌دارد. برخی از

کسانی که در زندان عراق، صدای شهید تندگویان را از سلول انفرادی می‌شنیدند، در تعریف‌هایی که از آن روزها می‌کنند، صدای ایشان را در هنگام قرائت قرآن و اذان با صدای بلند می‌شنیدند و شب‌های جمعه را با دعای کمیل ایشان که در زندان با صدای بلند می‌خواندند، به‌تخاطر می‌آورند.

از مبارزه شهید با تقاطعی‌ها در پالایشگاه آبادان بیشتر بگویید. آیا ماجرای خاصی در آن‌جا اتفاق افتاد که نقش شهید تندگویان در آن قابل ملاحظه بوده باشد؟ به هر صورت اگر در روشن شدن بحث به ما کمک می‌کند، راجع به این مسأله هم توضیح بدهید.

بله، در سال ۱۳۵۸ کمیته‌های پاکسازی برای جلوگیری از خراب‌کاری‌های برخی نیروهای منافقین و به‌اصطلاح کمونیست‌ها و نیروهای جنبشی که قصد براندازی داشته‌اند، فعال شده بود. شهید تندگویان که مسؤول

نهضت، حضرت امام (ره)، ایراد می‌شد. شهید تندگویان این اهمیت را دریافته بود و نسبت به پخش و انتشار اطلاعیه‌های حضرت امام (ره) اقدام می‌کرد. البته این اقدام شهید تندگویان در رابطه با جریان خاصی در آن روزگار نبود و کاملاً یک اقدام خودجوش و از سر تعهد نسبت به دین و مکتب بود. به عنوان مثال، زمانی که رساله حضرت امام (ره) ممنوع بود و در هر خانه‌ای که رساله معظم له دیده می‌شد، افراد آن خانواده را تحت تعقیب قرار می‌دادند و می‌گرفتند، پدر محمدجواد، یک زرنگی به خرج داده بود و جلد رساله امام (ره) را با جلد رساله یکی دیگر از علماء عوض کرده بود تا بتواند هم‌چنان از رساله امام (ره) استفاده کند. این خانواده تا این حد به امام (ره) ارادت داشتند و تمام افعال و اعمال‌شان را با فرمایشات ایشان تنظیم می‌کردند.

شهید تندگویان هم در جریان پخش اعلامیه‌ها در یکی از مواردی که اقدام به پخش اعلامیه کرده بود، پس از دستگیری یکی از افراد ضعیف‌النفسی که اعلامیه را از وی کشف کرده بودند، توسط ساواک شناسایی و دستگیر شد. این اتفاق مربوط به سال ۱۳۵۲ است که در نهایت ایشان پس از دستگیری توسط ساواک، ماه‌ها در زندان کمیته شهربانی و در زندان ساواک مورد شکنجه‌های شدید عوامل ساواک قرار گرفت که برخی، مدت زندانی ایشان را تا ۱۱ ماه هم اعلام کرده‌اند و آزادی تندگویان، به سال ۱۳۵۳، یعنی یک سال پس از دستگیری، برمی‌گردد.

شکنجه‌هایی هم که ایشان در سال ۱۳۵۲ در زندان ساواک متحمل شد خیلی سنگین بود، از جمله این‌که نقل می‌کنند ناخن‌های ایشان را کشیده و کف پاهای‌شان را با مته سوراخ کرده و شوک‌های عصبی شدیدی هم به ایشان داده بودند، اما یک فرد باید به چه حدی از این‌بندی به اهداف و آرمان‌هایش رسیده باشد که پای‌گونه آزارها را به جان و دل بخرد و ذره‌ای از مواضع اصولی‌اش عدول نکند؟ به نظر حقیر، شهید تندگویان و امثال ایشان در درجه اول، از یک شناخت و بصیرت کامل و جامعی نسبت به خود و حیات‌شان و آن‌چه در قالب اهداف آن‌ها به عنوان یک آزاده مسلمان می‌گنجید، رسیده و آن وقت دست به انتخاب زده بودند. اگر مقدمه انتخاب، یک آگاهی و بصیرت جامع باشد، یقیناً تحمل سختی‌ها را به‌دنبال دارد و دیگر تحمل سختی برای فرد، مثل دودیدن در سرازیری است. شهید تندگویان چه در زندان ساواک و چه در زندان عراق، یعنی چه در آن یازده ماه و چه در این یازده سال، شکنجه‌ها و آزار دژخیمان را با نیروی ایمان با جان و دل خریدار بود، زیرا که آن‌چه برای او جلوه‌ای داشت و رخ می‌نمود، تنها رضایت حق تعالی بود. او نظر به وجه‌الله داشت، نگاه می‌کرد و خشنودی خدا را می‌دید و از راحتی خودش می‌گذشت. این‌گونه بود که تنها به فراق معبود می‌اندیشید و وصالش را طلب می‌کرد.

در صحبت‌های تان راجع به شهید تندگویان، بیشتر بر مسأله مکتبی بودن و مبارزه مکتبی ایشان تأکید می‌کنید...

بله، در حقیقت این مکتبی بودن از آن ویژگی‌های منحصر به فردی است که در مورد ایشان باید گفته شود. اگر چه بارها در صحبت‌های دیگران راجع به این شهید عزیز اشاره شده است، اما در مجموع، در حد یک ویژگی خاص مورد توجه ماست. در واقع این ویژگی شهید، همان موقع هم مورد توجه بود، تا جایی که ایشان به مکتبی‌ترین عضو کابینه شهید رجایی معروف بودند. این‌که ایشان مکتب و مبارزه مکتبی را از مسجد و هیأت

در حقیقت این مکتبی بودن از آن ویژگی‌های منحصر به فردی است که در مورد ایشان باید گفته شود. اگر چه بارها در صحبت‌های دیگران راجع به این شهید عزیز اشاره شده است، اما در مجموع، در حد یک ویژگی خاص مورد توجه ماست. در واقع این ویژگی شهید، همان موقع هم مورد توجه بود، تا جایی که ایشان به مکتبی‌ترین عضو کابینه شهید رجایی معروف بودند.

راه‌اندازی پالایشگاه نفت آبادان بود، هم‌زمان از طرف آیت‌الله اشراقی که از سوی امام (ره) مسؤول هیأت‌های پاکسازی بودند، برای پاکسازی پالایشگاه از نیروهای خراب‌کار، مأموریت پیدا می‌کنند، اما از آن‌جایی که این افراد در آن زمان کانونی برای فعالیت خود تحت عنوان شوروی اسلامی داشتند، مبارزه با آن‌ها کار دشواری بود. شهید تندگویان که در جریان این پاکسازی‌ها از افراطی‌گری‌های این گروه‌ها به اسم هیأت پاکسازی و تحت عنوان شورای اسلامی به ستوه آمده بود، به شناسایی دقیق این افراد همراه با مدارک مستدل و مستند پرداخت و در یک اقدام هوشمندانه پس از اعلام انحلال



این که در ابتدای مطلب هم توصیه‌هایی برای جوانان داشتید، مطالعه زندگی این شهید و به‌طور کلی شهدای دفاع مقدس را تا چه اندازه برای جوانان مفید می‌دانید و به آن‌ها توصیه می‌کنید؟

الحق و انصاف، زندگی شهدای ما، برای جوانان سراسر پیام و نکته است. در زندگی این شهید عزیز نیز - به طریق اولی - برای جوانان ما پیام‌هایی هست که در ابتدای مطلب نیز به آن اشاره‌ای داشتم. البته در این جا مخصوصاً از عبارت جوانان استفاده کردم، گرچه در زندگی شهدای ما، برای تمام مردم درس‌ها و پیام‌هایی هست، لیکن جوان بودن این شهید - به لحاظ سنی - و بزرگ بودن او - به لحاظ شخصیتی - برای ما مسأله‌ای است که جوانان را به تأمل در آن توصیه می‌کنیم. حوصله و توانی که در یک جوان برای اداره امور مملکت تا دفاع از میهن و آرمان‌های مذهبی و ملی‌اش باید به‌نبال آن بود، در امثال شهید تندگویان به وضوح دیده می‌شد. شهید تندگویان، در دوران جوانی و نوجوانی، توانایی نگهداری روحیات مختلفی را که برخی از این روحیات به اقتضای سن جوانی است - مثل شور و نشاط انقلابی - و البته برخی از آن‌ها ممتاز است و از یک جوان به اقتضای سنش انتظار نمی‌رود، در کنار هم و رساندن نتیجه عمل برآمده از این روحیات، که همانا کاری است عاقلانه و پخته و کارآمد، از جمله مواردی است که این شخصیت را برای ما ممتاز می‌کند تا به جوان امروز توصیه کنیم که تو هم می‌توانی با تکیه بر همین روحیات از شور و نشاط انقلابی‌ات استفاده کنی و در پیشبرد مملکت با آرمان‌های اصیلش، عاملی مؤثر در توسعه و پیشرفت و فزاینده تا رسیدن به قله آرمانی نظام باشی، و هم در رسیدن به بالاترین مدارج علمی و توان و شناخت علمی بررسی و هم از عهده معنا و معرفت بر بیایی و ناقد در قلوب مؤمنین باشی و هم مثل این شهید عزیز تا آخرین لحظات در خدمت به مکتب و میهن خودت، لحظه‌ای و آتی را فروگذار نکنی. تندگویان، نشاط و شور جوانی را داشت، اما این شور، مانع از حرکت علمی او نشد و او هم چنان در میان فامیل و بستگان و در میان محله و مدرسه و منطقه به لحاظ علمی زبانزد خاص و عام بود.

این شهید عزیز، هم آن شور جوانی را داشت و هم در کنار آن شور برای افزودن بر شعور، مطالعات مکتبی را با تعمق در آثار بزرگان دینی و مکتبی تا نهایت امکان ادامه می‌داد. این گونه بود که در زندان ساواک و در سلول‌های انفرادی شهربانی و تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها، حاضر به ترک مواضع اصولی‌اش نشد و تا آخرین قطره خون در زندان بعث عراق، ذره‌ای و لحظه‌ای، رنگ تذبذب و التماس به خود نگرفت و در آرمان‌هایش که همانا آرمان‌های اصیل اسلامی و انقلابی بود، ثابت قدم و استوار ماند. البته و قطعاً این گونه است که خداوند این ثبات قدم را در راه اندیشه و آرمان‌ها به همه عطا نمی‌کند، آن‌هایی از این ویژگی خاص بهره‌مند می‌شوند که پیش از این، در راه خدا تمام توان خودشان را برای مجاهده با نفس مصروف داشته‌اند، تا مبادا لحظه‌ای در مبارزه بساطم و باطل و در دفاع از حق و حقیقت، نفس‌شان، آن‌ها را به خود واگذارد. تحقیق و مطالعه در زندگانی این شهدای عزیز باید مورد توجه و عنایت مسؤولان امر باشد تا در سایه دقت آن‌ها در نگارش شرح حال و زندگی و آثار ایشان، مطالبی از زندگی شهدا در اختیار مردم و جوانان ما قرار گیرد، که پیش از هر چیز آن‌ها را برای بارغبت خواندن این آثار برانگیزد. ■

موضوع مطلع شده و سریعاً برای خروج ایشان از مرزها و انتقال به بصره اقدام کرده بودند. از طریق نهادهای بین‌المللی و صلیب سرخ نیز برای آزادی ایشان اقدامات زیادی از سوی وزارت خارجه وقت صورت گرفت، اما مهم‌ترین نتیجه‌ای که برای خانواده ایشان در برداشت یکی ابراز هم‌دردی برخی از این نهادها با خانواده شهید و دوم نامه‌ای بود که از ایشان به دست خانواده‌شان رسید.

البته گزارش‌هایی هم حاکی از این بود که دولت عراق برای آزادی وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران شرایط سختی را تعیین کرده بود که با روحیه آن شهید عزیز و اهداف و آرمان‌های ایشان و موقعیت خاص نظام سازگار نبود؛ لذا رایزنی‌ها برای آزادسازی ایشان موفق نبود.

از شهادت تندگویان در زندان بعث عراق بگویید و این که چگونه پیکر مطهر این شهید به کشور بازگشت؟

تا سال ۱۳۶۷، گزارش‌های متفاوتی مبنی بر سلامتی این شهید و ادامه حیات وی در زندان‌های بعث عراق به داخل کشور می‌رسید. نامه دوم ایشان به خانواده‌اش نیز در همین سال به‌دست خانواده‌اش می‌رسد که اتفاقاً در آن نامه به خانواده و همسرش دل‌داری داده بود. در کل، از گفته‌های برخی از همراهان ایشان برمی‌آید که این شهید عزیز تا سال ۱۳۶۸ نیز زنده بوده‌اند. به‌طور کلی، اطلاع دقیقی از تاریخ شهادت تندگویان در زندان عراق در دست نیست، چون که در ابتدا دولت بعث عراق از تحویل جسد واقعی این شهید خودداری می‌کرد و با تحویل یک جسد ناشناس قصد تمام کردن ماجرا را داشت که جمهوری اسلامی هیأتی را برای پی‌گیری موضوع و تحویل گرفتن جسد

این شهید عزیز، هم آن شور جوانی را داشت و هم در کنار آن شور برای افزودن بر شعور، مطالعات مکتبی را با تعمق در آثار بزرگان دینی و مکتبی تا نهایت امکان ادامه می‌داد. این گونه بود که در زندان ساواک و در سلول‌های انفرادی شهربانی و تحت سخت‌ترین شکنجه‌ها، حاضر به ترک مواضع اصولی‌اش نشد و تا آخرین قطره خون در زندان بعث عراق، ذره‌ای و لحظه‌ای، رنگ تذبذب و التماس به خود نگرفت.

واقعی شهید به عراق فرستاد. این هیأت که متشکل از نمایندگان وزارت خارجه، پزشکی قانونی و خانواده شهید تندگویان بود، به همراهی یک متخصص از صلیب سرخ، سرانجام جسد شهید را از روی همان زخم‌هایی که از ساواک در کف پاهایش باقی مانده بود شناسایی کردند، اما به‌دلیل این که دولت عراق، جسد شهید را - با هدف مجهول ماندن تاریخ شهادتش - سه بار مومیایی کرده، نتوانستند تاریخ دقیق شهادت ایشان را ذکر کنند؛ این گونه است که تاریخ درستی از شهادت این شهید عزیز در دست نیست.

به نظر شما چه درس و پیام خاصی از زندگی شهید محمدجواد تندگویان می‌توان گرفت؟ با توجه به



و برنامه‌ریزی وی را برای توسعه فعالیت‌ها و تحولات عمده در صنعت نفت آشکار می‌سازد.

زیدگی و هوش سرشار این شهید از همان دوران تحصیلات ابتدایی زبانزد خاص و عام بود، هر چند دوران تحصیلات تندگویان از سال‌های اول ابتدایی تا دوران تحصیلات دانشگاهی هیچ‌گاه رنگی از رفاه نداشت، اما محمدجواد همواره کسب مقام بهترین را در زمینه‌های علمی در پرونده خود داشت. در فاصله بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ اوضاع سیاسی اقتصادی کشور دگرگون شده و در این سال‌ها اتفاقاتی روی داده بود که بالاخره منجر به بروز جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید. جمله این اتفاقات تأثیرات بدی را بر وضع خانواده‌های جنوب‌شهر مثل خانی‌آباد تهران داشت. این وقایع بر وضع زندگی شهید تندگویان و خانواده‌اش نیز بی‌تأثیر نبود. رکود کسب و کار از یک طرف و مخالفت با رژیم شاه و بحران مالی خانواده از طرف دیگر، هم‌چنان به خانواده محمدجواد در آن سال‌ها فشار می‌آورد، اما در همین سال‌ها وی با کسب معدل بیست، دوره دبستان را پشت سر گذاشت و این در حالی بود که در منطقه جنوب‌شهر این معدل در پایان دوره دبستان در آن موقع، نادر به نظر می‌رسید و محمدجواد در همین ایام نفر اول مناطق جنوب‌شهر تهران شناخته شد.

چطور شد که شهید تندگویان به اسارت رفت و جریان اسارت ایشان چگونه بود؟ برای آزادی ایشان چه تلاش‌هایی صورت گرفت؟

روح انقلابی و پرشور شهید تندگویان که از وی شیدایی بی‌پروا برای خدمت خالصانه ساخته بود و او را از تهران و مرکز وزارت به شهرها و مناطق مختلف نفتی می‌کشاند تا از پیشرفت طرح‌ها و برنامه‌ها، همواره، آگاه باشد. شهید تندگویان که برای بازدید از پالایشگاه نفت آبادان بارها به اهواز رفته و به‌دلیل بسته‌بودن راه‌ها و نظامی بودن جاده‌ها موفق به بازدید نشده بود، این بار از یک جاده فرعی برای رسیدن به پالایشگاه آبادان اقدام کرده بود که در مسیر با درّخیمان بعثی عراق که ساعتی پیش‌تر جاده را تصرف کرده بودند، روبه‌رو و توسط آن‌ها به اسارت گرفته می‌شوند. برای آزادی جناب تندگویان تلاش‌های مختلفی صورت گرفت؛ یک‌سری تلاش‌های دیپلماتیک و یک‌سری تلاش‌های غیردیپلماتیک که در همان ابتدای آگاهی از دستگیری ایشان تلاش‌های غیررسمی صورت گرفت و شهید چمران به همراه عده‌ای از چریک‌ها برای آزادی ایشان دست به یک‌سری عملیات چریکی زدند تا در صورتی که تندگویان را از مرزهای ایران خارج نکرده باشند، آزادش کنند. اما نیروهای بعثی از اهمیت